

## نگره

توطئه آبی تازه طالبان علیه ایران  
افتتاح فاز جدید سد پاشدان چگونه  
مشکل ساز می شود؟

مناقشات آبی میان ایران و افغانستان وارد فازی جدید و جدی تر از گذشته شده است. ساخت فاز دوم سد پاشدان در بالادست ایران بار دیگر از سر گرفته شده و این سد می تواند در ایران و تاجیکستان تنش های آبی و محیط زیستی را افزایش دهد. طالبان می گوید تکمیل سد تنها پنج ماه زمان می برد. با تکمیل بند پاشدان، استان خراسان در ایران تحت تاثیر کم آبی قرار خواهد گرفت.

## سد پاشدان چیست؟

عملیات تکمیل پروژه سد پاشدان، یکی از بزرگ ترین سدهای افغانستان در مرز با ایران و در مسیر هریرو، با حضور ملا عبدالغنی برادر، معاون نخست وزیر و عبدالطیف منصور، سرپرست وزارت آب و انرژی طالبان در هرات آغاز شده است. پاشدان در استان هرات و در غرب افغانستان ساخته شده. برخی منابع می گویند پیش از این ۷۰ درصد از سد تکمیل شده و برخی دیگر رقم ۸۵ درصد را ذکر کرده اند. به هرحال افغانستان می گوید در پنج ماه آینده سد پاشدان تکمیل خواهد شد. سد پاشدان از ظرفیت ذخیره ۴۵ میلیون مترمکعب آب، تولید دو مگاوات برق، و آبیاری ۱۳ هزار هکتار زمین کشاورزی برخوردار است. به همین خاطر ساخت آن از سال ۱۳۹۰ تاکنون، تبدیل به چالشی مهم برای دولت هایی افغانستان شده. در دوران جمهوری مقامات این کشور اعلام کرده بودند که ساخت سد پاشدان تنها سه سال طول می کشد. اما به دلیل ناامنی، ساخت این سد ۱۳ سال بعد هم تمام نشده است. در آن زمان طالبان با حمله به سد پاشدان و عوامل سازنده آن باعث ایجاد ناامنی شدند به طوری که در سال های آخر دولت اشرف غنی، ساخت سد پاشدان عملاً متوقف شده بود.

## چرا پاشدان برای افغانستان اهمیت دارد؟

طرفداران تکمیل سد پاشدان در افغانستان که اعتقاد ی به پرداخت سهم ایران از آب هریرو ندارند؛ مساله کمبود آب را در هرات مطرح می کنند. مسئولان طالبان هم یک صدا فرض را بر این امر گذاشته اند که با راه افتادن سد پاشدان به کلی مشکل کم آب در هرات حل و فصل خواهد شد. مسئولان محلی در آبی تاکید دارند که یکی از راه های مقابله با این مشکل، تأسیس بند آبی «پاشدان» است. به گفته مسئولان اداره آب رسانی هرات با استفاده از آب های سطحی این بند، چالش کمبود آب در ولایت هرات از بین برده می شود و مردم در سال های آینده با این بحران روبه رو نخواهند شد. گفته می شود که افغانستان قرار است از آب جمع شده پشت سد ی مانند پاشدان برای توسعه کشاورزی در هرات بهره برد. نگاهی به گزارش های منتشر شده در رسانه های افغانستان نشان می دهد که آن ها چنانچه اندازه بابت اینکه تاکنون تنها ۳۰ درصد از آب هریرو در افغانستان مدیریت می شود و بقیه آن به سمت ایران و ترکمنستان می رود، ناراضی هستند. به نظر می رسد افغانستان تنها به مساله استفاده از آب هریرو برای حل مشکل کم آبی هرات بسنده نمی کند. برای مقامات طالبان، آب تبدیل به مساله ای برای چانه زنی شده است. آن ها پیش از این در مورد سد کمال خیل در حقه به هریرو هم مشکلاتی را ایجاد کرده بودند که کماکان ادامه دارد. تهران، در مقابل باورش دوستانه ای که با طالبان در پیش گرفته، تلاش دارد به اختلافات بر سر آب دامن نزند. البته رویکرد مسالمت جوی پاشدان ایران در مقابل این گروه، در شرایطی که اغلب کشورهای جهان کماکان آن ها را به عنوان دولت افغانستان به رسمیت نمی شناسند، باعث انتقاداتی شده است. افغانستان خودش را صاحب تمام و کمال آب هایی می داند که در این کشور سرازیر می شود و به مساله فرادست بودن و قواعد آن توجهی ندارد. از آنجا که سرچشمه رود های، چون هریرو و هیرمند در افغانستان است، طالبان در ادامه روندی که حکومت جمهوری در افغانستان پیش گرفته بود، سهمی برای ایران در نظر نمی گیرد. این گروه به خوبی متوجه شده است که برای کسب امتیاز بیشتر از همسایگان و به رسمیت شناخته شدن توسط آنها، می توانند بر روی موضوع آب حساب کنند.

## ایران چه عکس العملی دارد؟

ایران و ترکمنستان در سال های پایانی دهه ۷۰، سد دوستی را در بالادست هریرو افتتاح کردند. آن ها امید داشتند که این سد بتواند گره از مساله کم آبی در برخی از نواحی دو کشور باز کند. ایران بر روی سد دوستی برای حل طالبان بر سر استان خراسان حساب باز کرده بود. افغانستان در آن زمان تحت تصرف طالبان قرار داشت و عملاً در این پروسه حضور نداشت. ۱۱ سال پس از اینکه سد دوستی به طور کامل به سرانجام رسید، افغانستان که کمی سروسامان گرفته بود، اقدام به ایجاد سد بزرگ سلما بر روی هریرو کرد که باعث کاهش آبی شد که به سمت سد دوستی سرازیر بود. در ادامه همان پروژه سد پاشدان در حال تکمیل است که باعث می شود سد دوستی بهر ای از آبی که از سمت هریرو می آید نداشته باشد. دستاورد دیپلماتیک ایران به مناسبت در قبایل طالبان بر سر آب های مشترک بین دو کشور متهم است. پیش از این ایران با وجود اینکه روابط مثبتی با طالبان ایجاد کرده بود، توانست حقه به هریرو را دریافت کند. در دو سال اخیر طالبان با مطرح کردن اینکه خود افغانستان دچار کم آبی است حاضر نشدند تا حقه به سیستان را بپردازند و در مورد هریرو البته برخلاف هیرمند، قراردادی وجود ندارد که تهران برای حل و فصل مساله به آن رجوع کند. در سال ۱۳۵۱ معاهده حقه به میان افغانستان و ایران درباره هیرمند بین نخست وزیر ایران و محمد موسی شفیق، نخست وزیر افغانستان امضا شد و مجالس هر دو کشور آن را تصویب کردند. با همه این ها در ۵۲ سال گذشته، افغانستان کمترین اعتنایی به قرارداد نوشته شده نداشته است. در مورد هریرو اوضاع وخیم تر است. قراردادی بین تهران و کابل در خصوص هریرو شکل نگرفته تا ایران سرآغ آن برود و بر اساس آن افغانستان را وادار به پیروی از اصول بین الملل و حقوقی کند. البته کنوانسیون آب های مرزی می گوید همه کشور ها تا جایی می توانند در قلمرو سرزمینی خود از آب های سرزمینی بهره برداری کنند که آسیبی از آن به کشورهای دیگر نرسد. با همه این ها ایران از خود نشانه ای به جای نگذاشته که مایل است ماجرا از طریق کنوانسیون های بین المللی پیگیری کند. از طرف دیگر بعید به نظر می رسد که طالبان، در مورد هریرو و هیرمند زیر بار قراردادهای بین المللی بروند. در شرایطی که حتی ترکیه با سد سازی های بی وقفه منطقه را با بحران روبه رو کرده است و به نظام بین الملل هم پاسخگو نیست، نمی شود انتظار چندانی از طالبان داشت که اساساً قواعد بین المللی و حقوقی بر در نمی آورد و با آن ادغام نشده است. با همه آنچه در مورد دولت طالبان و مشکلاتی که در زمینه هریرو وجود دارد می دانیم، توقع پیگیری ماجرا از سوی دستگاه دیپلماتی ایران وجود دارد.



سید حسن موسوی چلک در گفت و گو با «آرمان ملی»:

اقدامات شهرداری تهران  
مطالبه مردم نیست

تبلیغات شهری شهرداری تهران بین مردم و شهرداری فاصله ایجاد کرده است

خواسته ها و مطالبات شهری مردم نباید سیاسی شود

**آرمان ملی - احسان انصاری:** مردم تهران به چه میزان نسبت به اقدامات شهرداری رضایت دارند و با رویکردی که در پیش گرفته موافق هستند؟ آیا اقداماتی که در مدیریت شهر تهران انجام می شود در راستای خواسته ها و مطالبات مردم است؟ چرا زاکانی در حالی که شعار زمینه سازی برای افزایش مشارکت مردم می داد در عمل هیچ اتفاق موثری در این زمینه رخ نداد؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات با دکتر سید حسن موسوی چلک جامعه شناس گفت و گو کرده است. موسوی چلک معتقد است: «شهردار تهران وام دار گروه سیاسی است که وی را انتخاب کرده اند. در هر دوره ای نیز این وضعیت وجود داشته در برخی دوره ها بیشتر بوده و در برخی دوره ها کمتر. در هفته های اخیر هنگامی که آقای زاکانی در صحن شورای شهر سخنرانی می کرد برخی از اعضای شورای شهر صحن را ترک کردند به صورت طبیعی هنگامی که شهرداری به این مساله آگاهی داشته باشد که اعضای شورای شهر نمی توانند وی را استیضاح کنند این احتمال وجود دارد که به برخی از مطالبات و یا رویکردهای نظارتی شورای شهر اهمیت ندهد». در ادامه حاصل این گفت و گورامی خوانید.

یکی از شعارهای مهم علیرضا زاکانی در آغاز مدیریت بر شهر تهران زمینه سازی برای مشارکت اجتماعی مردم در مدیریت شهر تهران بود. این وعده به چه میزان در سال های اخیر محقق شده و با چه چالش هایی مواجه بوده است؟

در هر مجموعه یکی از انواع مدیریت که در جهان امروز مورد توجه قرار دارد مدیریت مشارکتی است. در مدیریت مشارکتی مولفه های مختلفی وجود دارند. به صورت طبیعی مهم ترین مولفه در این زمینه حضور و نقش آفرینی های ذینفعان در یک مجموعه است. این در حالی است که یکی از مهم ترین مجموعه ها به مدیریت شهری در کشور و به خصوص تهران باز می گردد. هنگامی که از ذینفعان در مدیریت شهری صحبت می کنیم شرکای شهرداری، سازمان ها، غیردولتی ها و مردم را شامل می شود که بتوانند نیازها، دغدغه ها و مشکلات خود را در مدیریت شهری مطرح کنند و دغدغه های آنها در مدیریت شهری مورد توجه قرار بگیرد. به صورت طبیعی در چنین شرایطی مجموعه در تصمیم گیری ها به دلیل اینکه دغدغه های مردم و نهادها و سازمان های غیر دولتی را مورد توجه قرار می دهد عملکرد موفقی خواهد داشت. در چنین شرایطی ملک تصمیم گیری دیدگاه مردم است و مردم می توانند طرح های خلاقانه ای را برای مدیریت بهتر شهر مطرح کنند. از سوی دیگر مردم نیز در چنین شرایطی از مدیریت شهری حس خوبی خواهند گرفت و بیشتر اعتماد می کنند. این وضعیت می تواند روی کیفیت زندگی مردم تأثیر بگذارد. در مدیریت شهری هر شهردار و یا شورای شهری در نیازسنجی ها، مشکل یا ها و اولویت بندی ها، تصمیم گیری ها اگر به مردم اعتماد کنند و زمینه های مشارکت آنها را فراهم کنند مردم نیز اعتماد بیشتری به آنها خواهند کرد. بخشی از این مشارکت نظارت و قضاوت درباره عملکرد و تصمیم گیری هایی است که در مدیریت شهری گرفته می شود. اتفاقاتی که درباره دو پارک قطریه و لاله در تهران رخ داد نشان داد که تصمیم گیری های مدیریت شهری مطالبه مردم نیست و شهرداری در مسیری حرکت می کند که مورد رضایت مردم نیست. کم توجهی به دیدگاه مردم نیز عاملی در کاهش اعتماد به مدیریت شهری است. مردم زمانی در تصمیم گیری های شهری مشارکت می کنند که حرف آنها شنیده شود و بین آنها و مدیریت شهری اعتماد وجود داشته باشد. به صورت طبیعی هرچه این اعتماد کمتر باشد میزان مشارکت مردم در تصمیم گیری ها کاهش پیدا می کند. اتفاقی که در شرایط کنونی در شهر تهران رخ داده است.

## شهردار به دلیل اینکه قدرت سیاسی فراتر

از شورای شهر تهران پیدا کرده تلاش می کند در واقع تبلیغات شهری به ابزاری برای بیان دیدگاه های سیاسی شهردار تهران تبدیل شده است؟

تبلیغات شهری یکی از ابزارهای مهم برای ارتباط بین مردم و مدیریت شهری در راستای اعتماد آفرینی است. به همین دلیل هرچه این فضا از دغدغه ها و خواسته های مردم بیشتر فاصله داشته باشد به همان اندازه از اعتماد مردم نسبت به مدیریت شهری

## هر تصمیمی که در مدیریت شهری گرفته می شود اگر بدون توجه به آثار

فرهنگی و اجتماعی آن صورت بگیرد و مردم با این تصمیم همسویی و همراهی نداشته باشند ذهنیت مردم را نسبت به مدیریت شهری تغییر خواهد داد.

در شرایط کنونی تصمیمات مدیریت شهری درباره پارک ها در حالی گرفته می شود که مسائل مهم تری مانند ترافیک، آلودگی هوا و نیازهای متعدد دیگری

در حوزه مدیریت شهری است که زندگی مردم را تحت الشعاع قرار داده است.

پاسخ های مبهمی که مدیریت شهری و برخی از اعضای شورای شهر نسبت به حساسیت های مردم درباره پارک قطریه و لاله نشان می دهد که این تصمیمات

مطالبات اصلی مردم تهران نیست

## در واقع همه شهرداران تهران

بر اساس گرایش و رویکرد

شورای شهر انتخاب شده اند.

به همین دلیل نیز شهرداریانی که

انتخاب می شوند به مرور زمان در

راستای اهداف سیاسی کسانی

که وی را به عنوان شهردار

انتخاب کرده اند حرکت می کند

## چرا شهرداری پارک های تهران را به عنوان

هدف ساخت و سازهای خود در نظر گرفته است.

این رویکرد بر اساس چه مبنای علمی در مدیریت

شهری صورت می گیرد؟

هر تصمیمی که در مدیریت شهری گرفته می شود اگر بدون توجه به آثار فرهنگی و اجتماعی آن صورت بگیرد و مردم با این تصمیم همسویی و همراهی نداشته باشند ذهنیت مردم را نسبت به مدیریت شهری تغییر خواهد داد. در شرایط کنونی تصمیمات مدیریت شهری درباره پارک ها در حالی گرفته می شود که مسائل مهم تری مانند ترافیک، آلودگی هوا و نیازهای متعدد دیگری در حوزه مدیریت شهری است که زندگی مردم را تحت الشعاع قرار داده است. پاسخ های مبهمی که مدیریت شهری و برخی از اعضای شورای شهر نسبت به حساسیت های مردم درباره پارک قطریه و لاله نشان می دهد که این تصمیمات مطالبات اصلی مردم تهران نیست. هنگامی که چنین اتفاقاتی در مدیریت شهری رخ می دهد رویکرد مشارکت محوری تضعیف می شود. مدیریت شهری بدون مشارکت مردم نمی تواند یک مدیریت موفق باشد. مردم مسائل مهم تری در سطح شهر تهران دارند که انتظار دارند مدیریت شهری به آنها پاسخ دهد.

## در شرایطی که اقدامات شهرداری به شکلی

است که بین مردم و مدیریت شهری فاصله می افتد چگونه شهرداری تهران مدعی زمینه سازی برای افزایش مشارکت شهری در مدیریت شهری است

و این وضعیت در آینده با چه چالش هایی مواجه است؟

مردم باید مشاهده کنند که مطالبات آنها برای مدیران شهری در اولویت قرار دارد. از سوی دیگر هرچه شفافیت در تصمیم گیری ها بیشتر و شایسته گزینی در انتصابات وجود داشته باشد می تواند سرمایه اجتماعی مدیریت شهری را افزایش دهد. در چنین شرایطی است که مشارکت داوطلبانه مردم نیز بیشتر خواهد شد و در بحران ها بیشتر به مدیریت شهری کمک کرده و خود را جزئی از مجموعه مدیریت شهری قلمداد می کنند. مشارکت مردم از الزامات زندگی شهری است و این اتفاق زمانی رخ می دهد که احساس مسئولیت جمعی بیشتری داشته باشند. در شرایط کنونی این نیاز وجود دارد و شهرداری باید به شکلی عمل کند که مردم تهران احساس مسئولیت بیشتری نسبت به امور شهری داشته باشند. در عمل اتفاقاتی رخ داده که اقدامات شهرداری باعث شده بین مدیریت شهری و مردم فاصله ایجاد شود.

## یادداشت

## دوگانه چالش ساختاری و تنش

## کوروش الماسی

محقق و پژوهشگر



در سراسر تاریخ جوامع، نمی توان کشوری (جامعه ای) را یافت که از تنش طولانی مدت، منفعت (توسعه، امنیت و...) برده باشد. مشکل ساختاری، عبارتی است که هرزگاهی برای بیان برخی چالش ها در عرصه های گوناگون توسط برخی صاحب منصبان و فعالان سیاسی به کار می رود. پربیرها نیست اگر تقابل منافع برخی اقلیت ها با منافع جمعی (ملی) را بستر یا بنیاد «مشکل ساختاری» تلقی کنیم. یقیناً، تبیین «مشکل ساختار»، فراتر از توان و مجال یک موجد است، با این وجود تلاش می شود تا از طریق تبیین کلی و مختصر پدیده تنش، درک هرچند سطحی نسبت به پدیده مشکل ساختاری ایجاد شود. تنش؟ تنش معطوف به یک وضعیت یا شرایط خاص است. به عبارتی، تنش معطوف به نوع خاصی از بودن است. آشفته بودن، نامنظم بودن، مضطرب بودن، ناامید بودن، تلاطم بودن، غیر عادی بودن، غیرکاربردی بودن، غیرمنطقی بودن و... است. اینکه دو نوع تنش اجتماعی، «تنش های مهندسی شده در راستای تحقق اهداف خاص» و «تنش های طبیعی به مثابه ناکارآمدی یا ناتوانی انواع نهاد های اقتصادی، مدیریت سیاسی، تجاری و... را می توان در نظر گرفت. بنابراین، اجازه دهید تا تنش را در مقابل آرامش، نظم و ثبات، درک کنیم. اینکه، در حالت معمول یا در بیشتر مواقع، پدیده ها و امور انسانی، اجتماعی و طبیعی در شرایط ثبات، آرامش و نوعی نظم بسر می برند. به عنوان مثال، معمولاً دریاها آرام (فقدان امواج) هستند، انسان ها رفتاری قانونمند، منظم و با ثبات دارند. زمین در وضعیت ثبات و آرام (فقدان زلزله) است. شهروندانی که با کار و تلاش قانونی می توانند انواع نیازهای ابتدایی خود را تهیه و تأمین کنند، روح و روان آرام و امیدوار دارند. کشورهایی که با دیگر کشورها دارای انواع مبادلات سودمند اقتصادی، فرهنگی، علمی، تجاری، دفاعی و... هستند، روابط خارجه عاری از تنش، منظم، با ثبات، سودمند و آرام دارند، اما در مواقع تنش، بی ثباتی و ناآرامی، دریاها خروشان می شوند، زمین می لرزد (زلزله)، برخی انسان ها قانون شکنی می کنند، وجود انواع چالش های اجتماعی، روح و روان شهروندان ناآرام و آشفته می کند و... شاید تحریم و جنگ، برجسته ترین نمود تنش، بی ثباتی، ناآرامی و... در روابط خارجه با پیامدهای مستقیم ملی، باشد. اگر بپذیریم که تقابل منافع اقلیت ها با منافع جمعی (ملی)، بنیاد مشکل ساختاری به مثابه بستر اصلی انواع تنش ها (بی نظمی و بی ثباتی) اقتصادی، اخلاق سیاسی، فرهنگی، روابط خارجه و... است، آنگاه باید گفته شود که اساسی ترین وظیفه و هدف ملی مهند و ستان، تدبیر و تدوین طرح و سازوکاری برای پیگیری منافع از طریق تحقق منافع ملی است. اینکه، در جهان عادی، اخلاق، فناوری و... معاصر، «مستحکم ترین بنیاد حکمرانی، منافع و امنیت ملی است.» به عبارتی، «اهدافی که حکومت ها دنبال می کنند، مبنای ثبات، آرامش، توسعه، امنیت و... اجتماعی است.» بنابراین، ریشه انواع تنش های اجتماعی در عرصه های گوناگون را باید در اهداف مدیریت جست و جو کرد. نکته در خور توجه اینکه، تحقق توسعه و امنیت ملی در تضاد آشکار با انواع تنش های اجتماعی و مدیریتی است. تحقق توسعه و امنیت ملی در شرایط متشنج (خارجی و داخلی) همانند ساختن ساختمان در شرایطی که زلزله جاری است، است. اگر تبیین کلی و مختصر مفهوم تنش به مثابه پیامد مشکل ساختاری مبتنی بر تقابل منافع اقلیت ها و منافع ملی پذیرفته شود، نتیجه گیری طبیعی این خواهد بود که مهند دوستان صادق و با اخلاق باید سازوکاری برای تحقق منافع اقلیت ها از طریق تحقق منافع ملی (جمعی) تدبیر کنند تا شاید از این طریق روند سوددی و اجرایی شدن انواع تنش های اجتماعی در عرصه های گوناگون را مدیریت کنند. به بیانی شفاف، در جهان فناوری، دانش، اخلاق و خرد بنیاد معاصر، «مدیریت کارآمد، مقتدر و پایدار»، برآیند پیگیری منافع فردی، گروهی و اقلیت ها از طریق تحقق منافع ملی (جمعی) است. بنابر شواهدی بی شمار (از کشورهای توسعه کارآمدی، یابردی، ثبات و اقتدار در مدیریت سیاسی، تابع و برآیند پیگیری اهداف (منافع و امنیت) ملی است.

## خبر

ابودر ندیمی:

عملکرد اقتصادی دولت در حد انتظارات  
ایجاد شده نبوده است

وضعیت اقتصادی این روزهای کشور مطلوب نیست و هر روز که می گذرد بر میزان فشارهای اقتصادی هم بیشتر می شود. در این بین یک پرسش مهم وجود دارد؛ آنکه دولت تا چه حدی توانسته است بر اوضاع اقتصادی کنترل داشته باشد؟ یک تحلیلگر مسائل اقتصادی اظهار داشت: ارزیابی و قضاوت با بستگی به منابع، تکالیف، انتظارات، مسئولیت ها و اعتبارات دارد. به این معنی که باید ببینیم چه قدر اعتبارات در اختیار دولت بوده، چه قدر منابع داشته، چه قدر مسئولیت و تکلیف قانونی داشته و البته به چه میزان در میان مردم انتظار ایجاد کرده است. دولت انتظاراتی برای مردم ایجاد کرد؛ به خصوص در ایام انتخابات و مرحله گرفتن رأی اعتماد از مجلس. برای مردم هم چنین انتظاراتی ایجاد شد که یکدستی قوا بسیاری از مشکلات حل می شود. وقتی سطح انتظار عمومی بالا رفت و البته همه نهادها هم از دولت پشتیبانی کردند، مردم خواهان محقق شدن شعارها و وعده های دولت بودند، اما حال می بینند که عملکرد دولت در حد انتظارانشان نبود؛ انتظاراتی که خود دولت به وجودشان آورده بود. ابودر ندیمی گفت: یک سری وظیفه هم وجود دارد که مسئولان باید آنها را انجام دهند. آنها وظیفه دارند اقداماتشان بر اساس قانون باشد و وقتی پیش از بودجه ریزی و آمایش در سفرهای استانی قول هایی می دهند که قابل اجرا نیست، یعنی از قانون پیروی نمی کنند. این تحلیلگر مسائل اقتصادی همچنین بیان کرد: مثلاً وعده داده شد که سالی چهار میلیون مسکن ایجاد می کنیم اما گفتند که این کار چه قدر بود چه نیاز دارد، چه بررسی هایی بر این موضوع شده است و... و حالا بعد از گذشت چند سال از ارائه این وعده، جامعه پاسخی دریافت نمی کند که پس چرا چنین وعده ای عملی نشد. ندیمی تصریح کرد: تبلیغاتی که در رسانه ها بر وعده های دولت انجام شد هم سطح انتظارات را بالا برد؛ مثلاً گفته شد که می شود با بریکس و شانگهای مسائل اقتصادی را حل کرد اما در عمل چنین نشد. مردم می پرسند پس چه زمانی مشکلات اقتصادی درست می شود اما بنا توجه به افزایش تورم و افزایش روزافزون نرخ ارز دولت نمی تواند پاسخی به این پرسش بدهد.